

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۳۹۴

سیاسی

اخبار

امضای ۱۱ سند همکاری در سفر هیأت ایرانی به ارمنستان



سیدمهدی طباطبایی، معاون اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرد در سفر دکتر پزشکیان و هیات همراه به ارمنستان، ۱۱ سند همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان امضا شده و «رتقای چشمگیر سطح روابط اقتصادی و تضمین امنیت مرزی از ثمرات این سفر است».

براساس اعلام سفیر ایران در ایروان، حجم معاملات بین ارمنستان و ایران به حدود یک میلیارد دلار رسیده است که از نظر وزیر صنعت، معدن و تجارت در دیدار با وزیر اقتصاد ارمنستان در ایروان، امکان افزایش حجم مبادلات تجاری تا ۳ میلیارد دلار وجود دارد.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، عضویت ارمنستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نیز قراردادهای تجاری ایران با اتحادیه اروپایی که امکان صادرات مجدد محصولات ایران به طرف‌های رسوم اوراسیا و اروپا را فراهم می‌کند، از جمله ظرفیت‌های شایان توجه ارمنستان در ابعاد اقتصادی و تجاری برای کشورمان به شمار می‌رود.

روایت همسر شهید فریدون عباسی از چگونگی شهادت ایشان

«زهت‌شیان آزاد» همسر دانشمند شهید دکتر فریدون عباسی در سیزدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات گروهک مجاهدین خلق (منافقین) به شرح نحوه حمله رژیم صهیونیستی به منزل شهید که به شهادت فریدون عباسی انجامید، پرداخت: «اذان صبح بود که صدای مهیبی را شنیدم و صدای هر ۳ انفجار را شنیدم و بعدش در زمین و هوا بودم. به طور معجزه‌آسایی زیر آوار بودم و پسرم را خودم نجات دادم.

همسرم از طبقه سیزدهم ساختمان به پایین پرت شده و به خیابان روبه‌روی منزل افتاده و شهید شده بودند». فریدون عباسی دکترای فیزیک هسته‌ای از دانشگاه شهید بهشتی داشت و سال ۱۳۸۶ به عنوان استاد نمونه کشور انتخاب شد. شهید عباسی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به عنوان رئیس سازمان انرژی اتمی فعالیت می‌کرد و یک بار دیگر ۸ آذر ۱۳۸۹، هدف ترور اسرائیل قرار گرفته و جانباذ شده بود.

انتقاد شدید نماینده مجلس از نویسندگان نامه جبهه اصلاحات



حجت‌الاسلاموالمسلمین سیدمحمود نبویان، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در صفحه اجتماعی خود با انتقاد شدید از نویسندگان نامه جبهه اصلاحات نوشت: «آقای ظریف که ایران را در چاه‌ویل مکانیسم ماشه انداخته و صد سکه هم جایزه گرفته، با برخی دیگر به دنبال اتمام هدف ناتمام اسرائیل و آمریکا در نابودی صنعت هسته‌ای با پیشنهاد تعلیق یعنی تعطیلی غنی‌سازی هستند. قرآن کریم این افراد را آمریکایی و اسرائیلی می‌داند اگرچه در ایران ساکنند». نبویان در این توییت به نویسندگان جبهه اصلاحات را که خواستار تعلیق کامل غنی‌سازی هسته‌ای شده بودند و هم محمدجواد ظریف که با عنوان کلی تغییر پارادایم در پی شکلی از عادی‌سازی روابط سیاسی با غرب بوده، نواخته است.

مجادله مکتوب آذری جهرمی و رسایی

حمید رسایی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در صفحه ایکس خود با کنار هم گذاشتن ۲ توییت محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم و از حامیان مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری نوشته است: «امثال جنابعالی باید پاسخگوی وضع موجود باشید، نه مطالبه‌گر». ۲ تصویر انتخابی رسایی از ۲ توییت آذری جهرمی یکی به یک سال قبل بازمی‌گردد که آذری جهرمی نوشته: «دولت پزشکیان دولت در آفتاب خواهد بود و آرامش و سبایه را برای مردم خواهد خواست» و توییت دیگری از آذری جهرمی که یک سال بعد از دولت پزشکیان و همین روزها منتشر شده و آذری نوشته است: «سایه افعال (بی‌تصمیمی و بی‌عملی) از سایه جنگ و تحریم بدتر است. دولت هنوز بعد از یک سال حتی نمی‌داند چه می‌خواهد! خواستن همه چیز با هم تفاوتی با نخواستن هیچ چیز ندارد». در پاسخ به انتشار این ۲ تصویر، آذری جهرمی به انتقاد رسایی اینطور جواب داد: «چون بنابست پاسخگو باشیم، مطالبه می‌کنیم». محمدجواد آذری جهرمی در دوران انتخابات، همراه با محمدجواد ظریف شهر به شهر برای تبلیغات مسعود پزشکیان می‌گشت و یک سال پس از دولت چهاردهم، هیچ یک مسؤولیتی در دولت نندارد.



چگونه بیانیه اخیر جبهه اصلاحات در راستای برنامه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران قرار می‌گیرد

جبهه دشمن

کرده‌اند گزینه حمله مجدد به ایران را همچنان روی میز دارند، به معنای ترس از جنگ و پذیرش دادن امتیازهای جدید است.از سوی دیگر، در شرایطی که کشور در وضعیت جنگی به سر می‌برد، حمایت از نیروهای مسلح، بویژه سپاه پاسداران و تأکید بر تقویت آن، یک تکلیف و وظیفه همگانی است اما متأسفانه بیانیه جبهه اصلاحات، هم تلویحا علیه سپاه موضع‌گیری کرده و هم به صورت مشخص خواستار محدود شدن فعالیت‌های آن شده است. یعنی در داخل ایران، علیه نیروی مدافع ایران برابر تهاجم خارجی موضع‌گیری شده است. به عبارتی، بیانیه جبهه اصلاحات هم خواستار عقب‌نشینی است و هم تخریب نیروهای مسلح ایران. در حالی که کمتر از ۲ ماه از جنگ ۱۲ روزه گذشته و هر آن احتمال حمله نظامی مجدد به کشور وجود دارد، چنین بیانیه‌ای حاوی چه پیمای است؟ مقامات رژیم صهیونیستی، خاصه شخص نتانیاهو بارها اعلام کرده‌اند هدف اصلی از حمله نظامی به ایران، براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر اساس ارزیابی‌های صاحب‌نظران، پیوست اجتماعی حمله رژیم صهیونیستی به ایران، ایجاد اعتراضات خیابانی و آشوب و ناامنی در ایران است و زمینه این اقدامات با بروز اختلافات و تعمیق شکاف‌ها ایجاد می‌شود.
کما اینکه نتانیاهو هم در جریان جنگ ۱۲ روزه و هم پس از آن – به صورت مشخص هفته گذشته – در قالب مصاحبه با اینترنشنال و انتشار فیلم و کلیپ‌هایی، از مردم ایران خواست علیه جمهوری اسلامی دست به اعتراضات گسترده برند. بر همین اساس، بسیاری از تحلیلگران معتقدند حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران، زمانی محتمل می‌شود که اختلافات سیاسی در ایران به اوج رسیده و اعتراضات و آشوب‌های خیابانی ایجاد شده باشد. در واقع مهم‌ترین عامل موثر بر انجام حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران، از بین رفتن انسجام و همبستگی ملی فعلی است. در چنین شرایطی، جبهه اصلاحات بیانیه‌ای منتشر کرده که در آن برخلاف مواضع رسمی و تصمیمات قانونی مجلس و دولت، هم خواستار عقب‌نشینی جمهوری اسلامی از حقوق مردم شده است و هم مطالبات و اهداف سیاسی خود را به عنوان مطالبات جامعه مطرح و نظام را متهم کرده در صورت عدم اجرای این مطالبات و اهداف سیاسی، علیه همبستگی ملی اقدام کرده است. یعنی از هم‌اکنون انگشت اتهام را به سمت جمهوری اسلامی نشانه رفته است.

در واقع جبهه اصلاحات در این بیانیه هم عقب‌نشینی و تسلیم را تئوریزه کرده، هم به اشتباه، عقب‌نشینی را راه برون‌رفت از وضعیت فعلی انگاشته و هم نظام را متهم کرده در صورت وقوع جنگی دیگر، مسؤولیت این جنگ متوجه جمهوری اسلامی است. آیا آمریکا و رژیم صهیونیستی دنبال چیزی جز این در ایران هستند؟ آیا ارسال پالس ضعف، اختلاف و شکاف از ایران، معنایی جز معتبر شدن گزینه نظامی علیه ایران دارد؟

■ **همان که نتانیاهو می‌خواهد!**

رژیم صهیونیستی در میانه مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، با چراج سبز و همکاری بی‌سابقه واشنگتن، به ایران حمله کرد. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، همه معادلات میان ایران و آمریکا را تغییر داد.

اگر تا پیش از ۲۳ خرداد، مذاکرات هسته‌ای برای اطمینان یافتن آمریکا از عدم استفاده نظامی ایران از برنامه هسته‌ای در قبال لغو تحریم‌ها بود، اکنون دولت آمریکا با این تصور که با بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران به هدف خود رسیده، معادله را تغییر داده است. به عبارتی ترامپ تصور می‌کند اکنون نگرانی‌ها بابت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تا حدود زیادی از بین رفته است. بر همین اساس تلاش می‌کند معادله پیشین یعنی عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای در مقابل لغو تحریم‌ها را به معادله عدم از سرگیری غنی‌سازی در ازای عدم حمله نظامی مجدد تبدیل کند.

ضمن اینکه بر اساس القاتل نتانیاهو، گزینه نظامی برای تغییر نظام سیاسی ایران نیز همچنان روی میز ترامپ قرار دارد و در صورتی که تحولات و شواهد حاکی از موفقیت این ایده نتانیاهو باشد، بعید نیست ترامپ با دور جدید حملات نظامی رژیم صهیونیستی به ایران موافقت کند.

در چنین شرایطی، ایران باید چه کند؟

نخستین اقدامی که ایران باید انجام دهد، حفظ آمادگی و هوشیاری نیروهای مسلح، همچنین تقویت اهرم‌ها و ابزارهای دفاعی خود است. در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز باید انسجام و همبستگی موجود حفظ و تقویت شده و احزاب و جریان‌های سیاسی از طرح مباحث و مسائل اختلاف‌انگیز، خاصه دوقطبی‌های سیاسی اجتناب کنند. حفظ همبستگی درونی، میزان موفقیت سناریوی نتانیاهو برای آشوب و ناامنی در ایران را بشدت کاهش می‌دهد. همچنین ایران باید توان بازدارندگی خود را همچنان معتبر نگه دارد. در حوزه جبهه مقاومت، آمریکا فشار زیادی را بر دولت‌های لبنان و عراق وارد کرده تا حزب‌الله و حشدالشعبی از خلع‌سلاح کنند. در مقابل این برنامه آمریکا، ایران هفته گذشته یک دیپلماسی فعالانه را در عراق و لبنان انجام داد و موضع رسمی جمهوری اسلامی به صورت شفاف به مقامات دولت‌های بغداد و بیروت ابلاغ شد. در واقع ایران نشان داد اقدامات لازم برای حفظ توانمندی ۲ ضلع مقاومت را انجام داده و خواهد داد. از سوی دیگر هر نوع تنش در لبنان و عراق، اگرچه هزینه‌هایی برای مقاومت دارد اما تجربه نشان داده است به واسطه قدرت نظامی و نفوذ اجتماعی، هم حزب‌الله و هم حشدالشعبی توانایی برون‌رفت از این وضعیت را دارند.

در حوزه هسته‌ای نیز با تدابیر انجام‌شده، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد ایران حفظ شده است و همین‌طور بر اساس آخرین گزارشات آژانس، ایران تاسیسات هسته‌ای جدید برای غنی‌سازی اورانیوم را نیز در اختیار دارد. مصوبه مجلس و ابلاغ آن توسط دولت نیز باعث شده روند بازرسی‌های آژانس از حالت عادی خارج شود و غرب باید اقدامات زیادی برای بازگشت بازرسی‌ها به حالت قبل از حمله ۲۳ خرداد انجام دهد. بنابراین ایران هم ذخایر اورانیوم ۶۰درصد خود را حفظ کرده‌است، هم از قبل تدبیر لازم را برای ایجاد مراکز جدید غنی‌سازی اندیشیده‌است و هم به خاطر سیاسی‌کاری آژانس، فعلاامکان دسترسی‌های روتین بازرسان آژانس به تاسیسات هسته‌ای ایران از آنها سلب شده است. مجموعه این موارد نشان می‌دهد با وجود خسارات شدید به تاسیسات هسته‌ای ایران اما دست‌کم ایران همچنان ظرفیت بالقوه از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم را در اختیار دارد. این موضوع باعث می‌شود تلاش ترامپ برای تغییر معادله مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای ایران با چالش مواجه شود.

بنابراین ایران هم آمادگی خود را برای مقابله با جنگ احتمالی ارتقا داده، هم در حال بازسازی توان اضلاع مختلف جبهه مقاومت است و هم ابزارهای بازدارندگی هسته‌ای خود را حفظ کرده است. در واقع ایران به دنبال تثبیت این پیام است: گزینه نظامی، راه‌حل نبوده و برعکس، شرایط را بر ضرر آمریکا تغییر داده است. ارسال این پیام، بسیار مهم است.

در چنین شرایطی، زمان به سود طرف آمریکایی و صهیونیست نیست. آنها باید هرچه زودتر تصمیم نهایی خود را در قبال ایران اتخاذ کنند یا باید سناریوی حمله نظامی مجدد و تلاش برای ایجاد آشوب داخلی در ایران را پیگیری کنند یا مجدداً میز مذاکره چیده شود و طرفین با توجه به شرایط جدید، اقدام به چانه‌زنی کنند.

حال با توجه به این صورت‌بندی، ارزیابی بیانیه جبهه اصلاحات واقع‌بینانه‌تر است می‌شود. جبهه اصلاحات در این بیانیه خواستار عقب‌نشینی از غنی‌سازی اورانیوم و دادن دسترسی به آژانس برای بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران شده است، ضمن انتقاد از نیروهای مسلح، خواستار محدود شدن فعالیت‌های ایران شده است، همچنین فهرستی از مطالبات سیاسی را مطرح کرده و بازنگری نظام در سیاست‌های اصلی و کلی داخلی و خارجی را ضروری دانسته است.

آیا این بیانیه، گزینه ادامه جنگ برای به آشوب کشیدن ایران را تقویت می‌کند؟ آیا باعث تقویت ایده ترامپ برای تغییر معادله مذاکرات و توقف غنی‌سازی در ازای توقف جنگ می‌شود؟ یا باعث می‌شود طرف آمریکایی به این نتیجه برسد حمله نظامی یک راه‌حل نیست و باعث پیچیدتر شدن شرایط و افزایش نگرانی‌ها درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران شده است و از همین رو خواستار

تداوم مذاکرات بر اساس دستور کار و صورت‌بندی قبل از

سینما رکس آبادان تا حرم شاهچراغ شیراز، آتش بر امر ملی

و جریان مظلوم و کندسازی خشمی است که ممکن است نحوی از درهم‌تنیدگی و به‌هم‌پیوستگی بسازد. مخاطب فیلم گوزن‌ها در شب آتش‌سوزی سینما رکس آبادان نسبت به آن نابرابری فراینده‌ای که به شکل مضاعف در سازوکارهای سیاسی و اقتصادی رژیم پهلوی بازتولید می‌شد و در آبادان، مرکز تولید و استخراج ثروت ملی ایران و جلوی چشم هزاران زن و مردی که ساخت محلات باشکوه و ثروتمند انگلیسی‌ها را می‌دیدند، بروز عینی و تجسم‌آدراری می‌یافت، وقت خروج از سینما حس می‌کرد باید کاری کند. مانند

جنگ ۲۳ خرداد می‌شود؟ تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به وضوح نشان داد خوش‌بینی نسبت به مذاکرات هسته‌ای و اعتماد به مواضع طرف آمریکایی، نه‌تنها منجر به گشایش اقتصادی نمی‌شود، بلکه حتی زمینه‌ساز حمله نظامی و مخدوش شدن امنیت نیز خواهد شد.

بنابراین اگر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه یک درس بزرگ برای همه کنشگران سیاسی در ایران داشته باشد، اثبات اهمیت و نقش تاثیر گذار مؤلفه‌های قدرت سخت بر مذاکرات است، یعنی همان کاری که ترامپ با مهلت ۶۰ روزه و حمله نظامی به ایران در روز شصت‌ویکم انجام داد. ترامپ با این حمله تلاش کرد معادله مذاکرات را تغییر داده و بدون آنکه تحریم‌های ایران را لغو کند یا اقدام مهم و موثری در این زمینه انجام دهد، غنی‌سازی اورانیوم در ایران را متوقف کند.

قاعدتاً وقتی یک طرف میز اینگونه فکر می‌کند، باید محاسبات او را دقیقاً بر مبنای همان تصورات تغییر داد. یعنی باید برای او مسجل شود قدرت سخت و حمله نظامی، نه‌تنها باعث تضعیف ایران و تقویت موضع او در پشت میز مذاکره نمی‌شود، بلکه باعث افزایش نگرانی‌های او درباره وضعیت و سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد. متأسفانه بیانیه جبهه اصلاحات دقیقاً برخلاف این اصل مهم نوشته و منتشر شده است. در خوشبینانه‌ترین حالت، جبهه اصلاحات با این بیانیه، رسماً نشان داد همان‌گونه که حتی برخی اصلاح‌طلبان منتقد این بیانیه نوشته و گفته‌اند، فاقد درک و بینش عاقلانه و واقع‌بینانه نسبت به تحولات دنیا و مناسبات و معادلات فی‌مابین ایران و آمریکا بویژه در فقره مذاکره است و نه‌تنها درسی از جنگ ۱۲ روزه نگرفته، بلکه فاقد ادراک سالم برای فهم دقیق ماهیت و اهداف این جنگ و پیامدهای آن است.

اسا درباره این بیانیه و اهداف پنهان آن، یک برآورد غیرخوشبینانه نیز وجود دارد که می‌گوید سران جبهه اصلاحات، شرایط پیش آمده و بویژه واقع‌نگری افکار عمومی درباره مقوله امنیت و ل‌سوازم آن، چه در حوزه سیاست داخلی و چه در حوزه سیاست خارجی را که موجب انسجام و همبستگی ملی شده، مغایر اهداف و سیاست‌ها و ایده‌های خود پنداشت‌اند و خطر حذف از معادلات سیاسی داخلی را با تمام وجود احساس کرده‌اند، لذا اکنون با این قبیل بیانیه‌ها، به دنبال مخدوش کردن این نگرش عمومی هستند.

جنگ ۱۲ روزه به وضوح استحکام، قوت استدلال و درستی استنتاج سیاست‌های جمهوری اسلامی نسبت به نظام ناعادلانه بین‌المللی حاکم و سیاست‌های آمریکا در قبال کشورها بویژه ایران را اثبات کرد.
کما اینکه فارن پالیسی نیز اخیراً در گزارشی، با اشاره به همین موضوع تصریح کرد نسل جوان ایرانی پس از جنگ ۱۲ روزه نه‌تنها به درستی سیاست‌های جمهوری اسلامی و شخص ایت‌الله خامنه‌ای، در قبال مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، بویژه به جبهه مقاومت پی برد، بلکه اکنون با توجه به شناخت واقع‌بینانه‌ای که از مقوله بازدارندگی پیدا کرده است، خواستار تقویت این سیاست‌ها بویژه در قبال جبهه مقاومت است. در چنین شرایطی، بدیهی است جریانی که طی ۳ دهه گذشته، با نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی، همواره خواستار پذیرش قواعد و سازوکارهای نظم آمریکایی بوده و حتی در نقد سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، شعارهایی مانند «نه غزه، نه لبنان» یا «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» را تولید کرده، پشت از خودآگاهی و واقع‌گرایی توده‌های عظیم جامعه بویژه نسل جوان، احساس نگرانی کند.

به عبارتی، در حالی که انتظار می‌رفت بنابیان افتضاح مکانیسم ماشه یا منادیان سیاست هضم در نظم آمریکایی و جامعه جبهه مقاومت پی برد، بلکه اکنون با توجه به در پیشگاه ملت عذرخواهی کرده و نسبت به اصلاح پارادایم‌های فکری خود بکوشند اما اکنون آنها خود را به خواب زده و در نقش مدعی ظاهر شده و با طلبکاری از نظام، خواستار تغییر رویه و سیاست‌های جمهوری اسلامی شده‌اند؛ آن هم سیاست‌هایی که جنگ ۱۲ روزه به وضوح درستی و عقلانیت آنها را در انتظار و آذهان عمومی ایرانیان آشکار کرد.

سینما رکس آبادان تا حرم شاهچراغ شیراز، آتش بر امر ملی

حسی که ایرانیان، صرف نظر از جناح و جریان و فکر و طبقه اجتماعی و زیست سیاسی در مقابل تجاوز گری رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر دریافتند.

برای تشکیل با این حسن نیرومند که می‌تواند امر ملی بسازد، شاکله در روایت و تفرقه‌سازی میان قربانیان لازم است. یادآوری رنج عظیم قربانیان سینما رکس آبادان و الگویی که ساواک به کار گرفت تا جانیش را به یک سوزه حمله علیه انقلابیون تبدیل کند و همچنان هم آثار آن ادامه دارد، ضروری است.



ادامه از صفحه اول

پس از وقوع حادثه دردناک ترور یستی حمله به حرم حضرت شاهچراغ در شیراز در ۴ آبان

۱۴۰۱ که به شهادت مظلومانه ۱۳ نفر انجامید، رسانه‌های متعددی تلاش کردند ذهنیت جامعه متأثر از ناآرامی‌های پس از مرگ مهسا امینی را به این سمت ببرند که جمهوری اسلامی در پی ایجاد حادثه‌ای است تا مخالفت‌ها را تمام